

یاران و همراهان روحانی

با تقدیم تحیات امنع ابھی

برنامه ای که تحت عنوان "سعادت حقیقی" تقدیم میگردد بر انست که نکاتی را منطبق با آثار مبارکه الهیه متذکر دارد

نخست آنکه انسان موجودی است شریف و خداوند او را در نهایت عزت درعالم وجود خلق نموده است و بهره مندی از تمامی آنچه در آسمان و زمین است را به او امر فرموده است و در این میان قلب را برای خود خواسته است تا در آن متجلی گردد و به این واسطه روحانیت انسان معنا یابد از این روست که اگر در آثارمبارکه اساس سعادت و خوشبختی اموال و دارائی نفوس نیست، هرگز به معنای رد نیازانسان به مادیات نمی باشد بر این اساس در امر مبارک زندگی در رهبانیت و انزواء به هیچوجه مورد پذیرش نیست

دیگر اینکه در آثار مبارکه عوامل مختلفی برای نیل به سعادت حقیقی مطرح می باشد که از آن جمله، میتوان به ایمان به مظهر حق، خدمت، اجرای حدود و احکام و تعالیم الهیه و.. اشاره نمود . مطمئناً زیارت آثار مبارکه در این خصوص از اهمیت ویژه ای برخوردار است و نشان میدهد راههای رسیدن به سعادت واقعی کثیر می باشد

به بیان حضرت ولی امرالله اعظم آن که مایه سعادت ابدی است تبلیغ است هیکل مبارک می فرمایند :

" از فرائض مهمه که از قبل به آن اشاره گشت اعظم و الزم از کل امر مهم تبلیغ است. زنهار زنهار امر تبلیغ دقیقه ای معوق و معطل ماند زیرا امر تبلیغ مقصد اصلی اقدامات امریه یاران و مایه سعادت ابدیه آنان.

اما نکته ای که در این برنامه از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد اینست که بدانیم سعادت واقعی ما با سعادت دیگران در ارتباط است و نمیتوان سعادتمند بود بدون اینکه سعادت دیگران را در نظر داشت

مطمئناً همراهی شما عزیزان و بر شمردن خدماتی که به بهسازی دنیا کمک می نماید می تواند این حقیقت را روشنتر سازد که سعادت از منظر بهائیان متضمن سعادت سائرین است

جانتان خوش باد

حضرت بهاء الله می فرمایند:

اوامر الهیه از سماء عزّ احدیه نازل باید کلّ به آن عامل شوید امتیاز و ترقّی و فوز خلق به آن بوده و خواهد بود هر نفسی که به آن عمل نمود رستگار شد

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ص 96

### عنوان: سعادت حقیقی

قسمت روحانی

1- مناجات شروع

2- آیه مبارکه کتاب اقدس

3- کلمات مبارکه مکنونه

4- مجموعه بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء (سعادت حقیقی چیست؟)

5- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

6- لوح مبارک دو ندا

قسمت اداری

7- خطابات مبارکه

8- قسمتی از پیام مورخ 21 آگست 2006 بیت العدل اعظم الهی

9- زندگی شاد و پرمفهوم در جامعه‌ای پویا

10- سعادت ما در سعادت دیگران است

11- شور و مشورت (در این دنیای پر آشوب چگونه می توانیم سبب سعادت خود و دیگران گردیم؟)

12- برنامه اطفال و نوجوانان

قسمت اجتماعی

13- الفت و پذیرائی

14- مناجات خاتمه

هُوَ اللهُ

ای پروردگار مهربان این کسان بنده آستانند و در نهایت صدق و راستی و درستی جام آمال سرشار فرما انوار تابان کن پرتو عنایت ببخش مظهر موهبت بفرما روز به روز ترقی بخش و الطاف افزون فرما تا این نفوس نفیسه به اعلی درجهء فلاح و نجاح وصول بیابند توئی مقتدر و توئی دهنده و بخشنده و بینا .  
عبد البهاء عباس

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان 394

2-آیه مبارکه که کتاب اقدس

قُلْ لَا تَفْرَحُوا بِمَا مَلَكَتُمْوه فِي الْعَشِيِّ وَ فِي الْاِشْرَاقِ يَمْلِكُهُ غَيْرِكُمْ كَذَلِكَ يُخْبِرُكُم الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ. قُلْ هَلْ رَأَيْتُمْ  
لَمَّا عِنْدَكُمْ مِنْ قَرَارٍ اَوْ وِفَاءٍ لَا وَ نَفْسِي الرَّحْمَنُ لَوْ اَنْتُمْ مِنَ الْمُنْصَفِينَ. تَمُرُّ اَيَّامٌ حَيَاتِكُمْ كَمَا تَمُرُّ الْاِرْيَاحُ وَ  
يَطْوِي بَسَاطُ عَزَّكُمْ كَمَا طُوِيَ بَسَاطُ الْاَوَّلِينَ. تَفَكَّرُوا يَا قَوْمِ اَيْنَ اَيَّامِكُمُ الْمَاضِيَةِ وَ اَيْنَ اعْصَارِكُمُ الْخَالِيَةِ  
طَوْبِي لايَّامٍ مَضَتْ بِذِكْرِ اللهِ وَ لاَوْقَاتٍ صُرِفَتْ فِي ذِكْرِه الْحَكِيمِ.

بگو ای مردم، مسرور نشوید به اموالی که مالک آن هستید در شبانگاه و صبح روز بعد مالک آن اموال می شود کسی که غیر از شماست. اینطور به شما خبر می دهد خداوندی که داناست. بگو ای مردم، در اموالی که پیش شما جمع شده است قراری و ثباتی هست؟ نه قسم به نفس رحمانم، اگر شما از منصف باشید. می گذرد ایام زندگی شما به همان شکل که باد میگذرد و برچیده خواهد شد بساط عزت شما، همانطوری که پیچیده شد بساط پیشینیان. ای مردم دنیا ایام گذشته شما کجاست؟، و سالهای گذشته شما کجاست؟ خوشایه ایامی که در ذکر الهی گذشت و خوشایه اوقاتی که با ذکر او که حکیم است سپری شد.

الها کریمایکتا خداوندا

جودت وجود را هستی بخشید و موجود نمود . این مظلومان را در ظلّ سدره عدلت مأوی ده و فقیران را به بحر غنایت راه نما . توئی مالک جود و سلطان عطا.

ادعیه محبوب ص 320

3-کلمات مبارکه مکنونه

ای دوست من

تو شمس سماء قدس منی خود را بکسوف دنیا میلای حجاب غفلت را خرق کن تا بی پرده و حجاب از خلف سحاب بدرائی و جمیع موجودات را بخلعت هستی بیارائی

ای پسر خاک

جمیع آنچه در آسمانها و زمین است برای تو مقرر داشتم مگر قلوب را که محلّ نزول تجلی جمال و اجلال خود معین فرمودم...

#### 4- مجموعه بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

سعادت حقیقی چیست؟

"عزّت و سعادت و بزرگواری و منقبت و تلذذ و راحت انسان در ثروت ذاتیه خود نبوده بلکه در غلّو فطرت و سموّ همّت و وسعت معلومات و حلّ مشکلاتست" 1

و در بیان دیگر میفرمایند:

"عزّت و علویّت انسان مجرد بلذائذ جسمانیّه و نعم دنیویّه نه بلکه این سعادت جسمانیّه فرع است. و اما اصل علویّت انسانیّه، خصائل و فضائلی است که زینت حقیقت انسانست و آن سُنوحات رحمانیه و فیوضات سمائیّه و احساسات وجدانیّه و محبّت الهیه و معرفت ربّانیّه و معارف عمومیه و ادراکات عقلیه و اکتشافات فنیّه است عدل و انصاف است صدق و الطاف است شهامت ذاتیه است مروّت فطریّه است صیانت حقوق است محافظه عهد و میثاق است راستی در جمیع امور است و حقیقت پرستی در جمیع شؤون جانفشانی جهت خیر عموم است و مهربانی و رأفت با جمیع طوائف انسانی و اتّباع تعالیم الهیست و خدمت ملکوت رحمانی هدایت خلق و تربیت ملل و امم است. این است سعادت عالم انسانی اینست علویّت بشر در عالم امکانی اینست حیات ابدی و عزّت آسمانی. 2

2- مفاوضات ص 60

1- رساله مدنیّه ص 30

#### 5- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هو الله

ای یار وفادار ، مردم را گمان چنین است که بهترین سعادت در این جهان نامداری است و بزرگواری و حال آنکه این وهمی است آشکار و تصوّری است ناپایدار . بعد از آنکه انسان از این جهان به جهان دیگر شتافت، نام و نشان چه ثمر بخشد و از این نام کجا معلوم و محسوس گردد زیرا مغز از میان رفته و باقی نیست مگر پوست . ملاحظه نما که چقدر مردم در دریای اوهام مستغرقند بلی نام و نشان مبارک است، اما در جهان الهی و صییت و صوت مقبول است، اما در ملکوت یزدانی زیرا در آن عالم اسم عین مُسمّاست و صفت حقیقت موصوف .

منتخبات مکاتیب ج 3 ص 61

## 6- لوح مبارک دو ندا

ای اهل ملکوت ابھی دو ندای فلاح و نجاح از اوج سعادت عالم انسانی بلند است خفتگان بیدار کند کوران  
بینا نماید غافلان هوشیار فرماید کران شنوا نماید گنگان گویا کند مردگان زنده نماید یکی ندای مدنیت و  
ترقیات عالم طبیعت است که تعلق به جهان ناسوت دارد و مروج اساس ترقیات جسمانیّه و مربی کمالات  
صوری نوع انسانست و آن قوانین و نظامات و علوم و معارف ما به الترقی عالم بشر است که منبعث از  
افکار عالیّه و نتائج عقول سلیمه است که به همت حکما و فضلاى سلف و خلف در عرصه وجود جلوه  
نموده است و مروج و قوه نافذه آن حکومت عادلّه است و ندای دیگر ندای جانفزای الهیست و تعالیم  
مقدسّه روحانی که کافل عزت ابدی و سعادت سرمدی و نورانیت عالم انسانی و ظهور سنوحات رحمانیّه  
در عالم بشری و حیات جاودانیست و اسّ اساس آن تعالیم و وصایای ربّانی و نصایح و انجذابات  
وجدانیست که تعلق به عالم اخلاق دارد و مانند سراج مشکاة و زجاج حقائق انسانیه را روشن و منور  
فرماید و قوه نافذه اش کلمه الله است ولی ترقیات مدنی و کمالات جسمانی و فضائل بشری تا منضم  
بکمالات روحانی و صفات نورانی و اخلاق رحمانی نشود ثمر و نتیجه نبخشد و سعادت عالم انسانی که  
مقصود اصلی است حاصل نگردد زیرا از ترقیات مدنیّه و تزیین عالم جسمانی هر چند از جهتی سعادت  
حاصل و شاهد آمال در نهایت جمال دلبری نماید ولی از جهات دیگر خطرهای عظیم و مصائب شدید و  
بلائی مبرمه نیز حاصل گردد ... الحمد لله قرون و اعصار متواریه است که ندای مدنیت بلند است و عالم  
بشری روز بروز تقدّم و ترقی یافت و معموریت جهان بیفزود و کمالات صوری از دیدار جست تا آنکه عالم  
وجود انسانی استعداد کلی برای تعالیم روحانی و ندای الهی یافت ... پس ندای ملکوت بلند شد و فضائل و  
کمالات روحانیّه جلوه نمود شمس حقیقت اشراق کرد و انوار صلح اعظم و وحدت عالم انسانی و عمومیت  
عالم بشریت ساطع گشت... ای احبّای الهی بدانید که سعادت عالم انسانی در وحدت و یگانگی نوع بشر  
است و ترقیات جسمانی و روحانی هر دو مشروط و منوط بالفت و محبت عمومی بین افراد انسانی  
... ملاحظه نمائید که اسباب رفاهیت و شادمانی و راحت و کامرانی نوع انسان الفت و یگانگیست و نزاع و  
جدال اعظم اسباب عسرت و ذلت و اضطراب و ناکامی ... الیوم جز قوه کلیّه کلمه الله که محیط بر حقائق  
اشیاست عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجرهء واحده جمع نتواند اوست نافذ در  
کلّ اشیا و اوست محرک نفوس و اوست ضابط و رابط در عالم انسانی

## هو الله

ای انجمن محترم عالم انسانی... راحت و آسایش عالم آفرینش در تحسین اخلاق عمومی عالم انسانی است و اعظم وسیله بجهت تربیت اخلاق علو همت و توسیع افکار است باید عالم انسانی را باین منقبت عظیمه دعوت نمود. ملاحظه فرمائید که مبادی مرعیه اصلیه هر فردی از افراد بشر جلب منفعت خویش و دفع مضرت است در فکر آسایش و شادمانی خود است و آرزوی تفرّد در زندگانی مینماید و میکوشد که از جمیع افراد دیگر در راحت و ثروت و عزّت ممتاز گردد. این است آرزوی هر فردی از افراد بشر و این نهایت دنائت و بدبختی و پستی فکر است. انسان چون اندکی ترقی فکر یابد و همتش بلند گردد در فکر آن افتد که عموم عائله را جلب منفعت و دفع مضرت نماید. زیرا راحت و نعمت عموم خاندان خویش را سعادت خود داند و چون فکرش توسع بیشتر یابد و همتش بلند تر گردد در فکر آن افتد که ابناء ملت و ابناء وطن خویش را جالب منفعت و دافع مضرت شود. هر چند این همت و فکر از برای خود او و خاندان او بلکه عموم ابناء ملت و وطن او مفید است و لکن از برای ملل سائره مورث ضرر است. زیرا بجان بکوشد که جمیع منافع عالم انسانی را راجع به ملت خویش و فوائد روی ارض را بعائله خود و سعادت کلیه عالم انسانی را تخصیص بخود دهد و همچو داند که ملل سائره و دول مجاوره هر چه تدنی نمایند ملت خویش و وطن خود ترقی نماید تا در قوت و ثروت و اقتدار باین وسیله بر سائیرین تفوق یابد و غلبه کند. اما انسان الهی و شخص آسمانی از این قیود میراست و وسعت افکار و علویّت همت او در نهایت درجه است و دائره افکار او چنان اتساع یابد که منفعت عموم بشر را اساس سعادت هر فردی از بشر داند و مضرت کلّ ملل و دول را عین مضرت دولت و ملت خویش بلکه خاندان خود بلکه عین مضرت نفس خود شمرد. لهذا بجان و دل بقدر امکان بکوشد که جلب سعادت و منفعت از برای عموم بشر و دفع مضرت از عموم ملل نماید و در علویّت و نورانیّت و سعادت عموم انسان بکوشد فرقی در میان نگذارد. زیرا عالم انسانی را یک خاندان داند و عموم ملل را افراد آن خاندان شمرد بلکه هیئت اجتماعی بشر را شخص واحد انگارد و هر یک از ملل را عضوی از اعضاء شمرد. انسان باید علویّت همتش باین درجه باشد تا خدمت باخلاق عمومی کند و سبب عزّت عالم انسانی گردد. حال قضیه بر عکس است جمیع ملل عالم در فکر ترقی خویش و تدنی سائیرین اند بلکه در فکر جلب منفعت خود و مضرت دیگرانند و این را تنازع بقا شمردند و گویند اساس فطری عالم انسانی است. ولی این بسیار خطاست بلکه خطائی از این اعظم نه.



## 8- قسمتی از پیام مورخ 21 آگست 2006 بیت العدل اعظم الهی:

"از نظر یک شخص بهائی کافی نیست که انسان فقط سعی نماید تا فردی با اخلاق حسنه باشد در حالیکه عالمی پر از سیئات مختلفه او را احاطه نموده است بلکه انسان باید خود را وسیله ای برای ایجاد تغییر و تحول مثبت روحانی، اجتماعی و اقتصادی در افراد و در جامعه ببیند و تلاش کند تا محیط خود را تحت تأثیر قرار داده و در راه بروز نیکی رفاه و سعادت بشر متمر ثمر باشد ما بهائیان موظف هستیم که دائماً بکوشیم و بیاموزیم که چطور به ایجاد این تغییر کمک نمائیم

## 10- سعادت ما در سعادت دیگران است

دوستی می گفت: به سمیناری دعوت شدم که در ورودی، به هر یک از مدعوین بادکنکی می دادند! سخنران بعد خوشامدگویی از حاضرین که ۵۰ نفر بودند، تقاضا کرد با ماژیک اسم خود را روی بادکنک نوشته و آن را در اتاقی که سمت راست سالن بود، بگذارند و خود در سمت چپ جمع شوند. سپس از آن ها خواست ظرف ۵ دقیقه به اتاق بادکنک ها رفته و بادکنک نام خود را بیاورند. من به همراه سایرین دیوانه وار، به جستجو پرداختیم، همدیگر را هل می دادیم و زمین می خوردیم و هر ج و مرجی به راه افتاده بود، تماشایی... مهلت ۵ دقیقه با ۵ دقیقه اضافی به پایان رسید، اما هیچ کس نتوانست بادکنک خود را بیابد. این بار سخنران، همگان را به آرامش دعوت و پیشنهاد کرد، هرکس بادکنکی را بردارد و آن را به صاحبش بدهد! بدین ترتیب کمتر از ۵ دقیقه همه به بادکنک خود دست یافتند. سخنران ادامه داد: این اتفاقی است که هر روز در زندگی ما می افتد، دیوانه وار در جستجوی سعادت خویش به این سو و آن سو چنگ می اندازیم و نمی دانیم: سعادت ما در سعادت و مسرت دیگران است به یک دست سعادت آن ها را بدهید و سعادت خود را از دست دیگر بگیرید... و آیا... هدف از خلقت انسان، چیزی جز این بوده است

## 9- زندگی شاد و پرمفهوم در جامعه‌ای پویا

شادی و سرور حقیقی از حالات روح انسانی است. زندگی مملو از شادی، عشق و آرامش در جامعه‌ای که رفاه و امنیت بر آن حاکم است، میل قلبی و نیز حق هر انسانی است. دستیابی به متعالی‌ترین و پایدارترین سرور فردی و رفاه جمعی زمانی امکان‌پذیر است که سعی کنیم در هماهنگی با ماهیت روح انسانی زندگی کنیم و نیز برای بهبود شرایط محیط اطرافمان با جدیت تلاش نماییم. آثار بهائی بیان می‌دارند که علم و دین دو نظام دانش و عمل هستند. از یک سو به ما کمک می‌کنند تا حقیقت وجود انسان را که دارای دو بُعد مادی و معنوی است بشناسیم و از سوی دیگر با اصول و قوانین فیزیکی و روحانی حاکم بر هستی که یک زندگی سالم، متعادل و سرشار از سرور را ممکن می‌سازد، هر چه بیشتر آشنا شویم. بنابراین بهره‌مندی از این دو منبع دانش می‌تواند سرچشمه سرور دائمی و نیز راهنمای یک زندگی در تعادل با ابعاد هستی و منطبق با قوانین آفرینش باشد. چنین دیدگاهی به کلی با آنچه دین را به عنوان اخلاقیات و سخت‌گیری‌های خشک مذهبی و یا روی‌برگرداندن از لذت‌های زندگی معرفی می‌کند متفاوت است. هنگامی که بر اساس بصیرت‌های علم و دین درمی‌یابیم که انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و پیوسته با محیط پیرامون خود در تعامل است، از محیط تأثیر می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد، سرور و آرامش حقیقی را نه تنها در رشد و به ثمر رسیدن استعدادهای فردی خود بلکه همچنین در تلاش برای ساختن یک جامعه پویا می‌جوئیم؛ جامعه‌ای که در آن خانواده‌ها از استحکام لازم برخوردارند و هر عضو با آگاهی نسبت به حقوق و مسئولیت‌هایش به سلامت کل خانواده کمک می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن زنان و مردان در تمامی سطوح دوشادوش یکدیگر در فعالیت‌ها نقش دارند؛ فعالیت اقتصادی جایگاه حقیقی خود را در فراهم کردن رفاه عمومی یافته است و انسان خود را بیشتر از پیش به عنوان حافظ و امانت‌دار منابع طبیعی به خصوص در قبال نسل‌های آینده می‌شناسد. هیچ اجتماعی بدون خدمات خالصانه اعضایش نمی‌تواند از پیشرفت روحانی و اجتماعی برخوردار گردد. حتی اگر در جوامعی زندگی کنیم که فقر و بی‌عدالتی و خشونت بر آنها حاکم است، زمانی که آگاهانه و با روحیه خدمت خالصانه برای پیشرفت خود و بهبود شرایط محیط اطرافمان تلاش می‌کنیم، از یک سو امید و نشاط به جامعه باز می‌گردد و از سوی دیگر از حس قوی هدفمندی سرشار می‌شویم که هم به زندگی‌مان معنا و جهت می‌بخشد و هم منبعی دائمی از سرور حقیقی برایمان به ارمغان می‌آورد.